

بررسی و نقد ترجمه کتاب «ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر»

مژگان جایز*

چکیده

طراحی اشیاء در جهت مستندسازی و انتقال اطلاعات جزئی از فعالیت‌های اصلی باستان‌شناسی محسوب می‌شود. طیف گسترده‌ای از اشیاء در فعالیت‌های باستان‌شناسی مورد طراحی قرار می‌گیرند. نوشتار حاضر به نقد ترجمه کتابی در زمینه طراحی اشیاء باستان‌شناسی می‌پردازد که کتاب اصلی آن، منبعی اگرچه قدیمی، اما نسبتاً معتبر در این زمینه محسوب می‌شود. با توجه به اینکه این کتاب حتی پیش از ترجمه نیز جزء منابع بسیار مهم طراحی محسوب می‌شد، ترجمه آن به زبان فارسی اهمیت آن را نزد باستان‌شناسان دو چندان می‌نماید. ترجمه تحت‌اللفظی، برگردان فارسی نامفهوم و نامأنوس، کیفیت بسیار پایین تصاویر نسبت به کتاب اصلی که نقش عمده‌ای در افزایش درک مخاطب از مطالب کتاب دارند، فصل‌بندی آشفته و نامنظم و خوانش دشوار از جمله موارد قابل نقد در ترجمه کتاب هستند. تسلط بر زبان انگلیسی و داشتن آگاهی در زمینه طیف گسترده اشیاء و یافته‌های باستان‌شناسی جهت ترجمه چنین کتبی از مواردی است که در آینده بایستی مورد توجه مترجمین محترم قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، باستان‌شناسی، طراحی، اصطلاحات تخصصی.

* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، mjayez@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷

۱. مقدمه

هر باستان‌شناسی که حداقل یک بار در کار میدانی اعم از بررسی یا کاوش شرکت کرده باشد اهمیت طراحی یافته‌های باستان‌شناختی را چه در مرحله تهیه گزارش و چه در انتشار نتایج نهایی به خوبی می‌داند. طراحی یافته‌های باستان‌شناختی محدود به فعالیت‌های میدانی نبوده و در بسیاری از موارد در معرفی گنجینه‌های ذخیره شده در موزه‌ها و برپایی نمایشگاه‌های مختلف نیز اهمیت اساسی دارد. از دهه ۱۹۶۰ میلادی که نخستین کتب راهنمای طراحی در اروپا منتشر شدند (برای مثال Hope-Taylor 1966; 1967; Martial 1961; Piggott 1965) تاکنون منابع متعددی در زمینه طراحی و مصورسازی (illustration) اشیاء باستانی منتشر شده‌اند که اگرچه اکثر آنها به طراحی و تصویرسازی عموم اشیاء می‌پردازند (برای مثال Adkins and Adkins 1989; Brodribb 1970; Griffiths and Wilson 1991; Hodgson 2000; McCormick 1977; Steiner 2005)، اما در برخی موارد نیز متمرکز بر یک نوع خاص از یافته‌ها همچون سفال (Collett 1996; Green 1987; Holladay 1976; Smith 1972) و دست‌ساخته‌های سنگی (Addington 1986; Chase 1985; Dauvois 1976; Martingell 1981; 1982; 1983; 1984; Martingell and Saville 1988) آن است که در سال‌های اخیر و با پیشرفت و گسترش نرم‌افزارهای رایانه‌ای و دستگاه‌های پوشش^۱ و چاپ، بسیاری از طراحان پیشرو تلاش می‌کنند که طراحی را به جای اجرا با دست به روش سنتی و دو بُعدی، با استفاده از رایانه و بیشتر در فضای سه بُعدی انجام دهند (برای مثال بنگرید به Woelfel 2014; Pospíšil 2010)، اما اهداف طراحی یافته‌های باستانی همچنان تا حد زیادی بدون تغییر باقی مانده است و به نظر می‌رسد تنها ابزار نیل به چنین اهدافی، از طریق تصویرسازی یافته‌ها، در حال تغییر است.

آغاز طراحی‌های باستان‌شناختی در واقع ناشی از کمبود دستگاهی برای عکس‌برداری آنها بود که باعث می‌شد تنها راه موجود برای ثبت آثار باستانی خلق تصویری از آنها باشد که تا حد امکان به واقعیت نزدیک باشد. بعدها با اختراع دستگاه‌های عکس‌برداری این کمبود جبران شد، اما در جریان رشد علمی رشته باستان‌شناسی اهداف طراحی نیز از اهداف زیبایی‌شناسانه به اهداف تکنیکی و فنی تغییر پیدا کرد، چون اولاً چاپ تصاویر ارزان و بی‌دردسر نبود و ثانیاً عکس هر چقدر هم که جزئیات را به خوبی ثبت کند، بدون دستکاری قادر به ارائه خودبه‌خودی تفسیر از آنها نیست. اساساً طراحی نوعی زبان تصویری برای انتقال اطلاعات است. برخلاف گذشته که طرح‌های آثار باستانی تابع اصول

هنری بود و بیشتر با اهداف زیبایی‌شناسانه و برای صفحه‌آرایی و تزئین کتب خلق می‌شد، امروزه در طراحی باستان‌شناختی، هدف، ارائه هنری و در برخی موارد حتی واقع‌گرایانه از آنچه می‌بینیم نیست. بلکه هدف از طراحی در باستان‌شناسی اغلب انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات است که باستان‌شناس آن را دارای اهمیت می‌انگارد و از طریق طراحی در پی ارائه این اطلاعات به کسانی است که قرار است طرح‌ها را ببینند. چنین اطلاعاتی آگاهانه انتخاب می‌شوند، درحالی‌که بسیاری از اطلاعات و جزئیات دیگر درباره شیء مورد طراحی نیز آگاهانه از طرح حذف می‌شوند، زیرا باستان‌شناس تشخیص می‌دهد که ارزش کافی برای ارائه کردن ندارند یا نامربوط و غیرلازم هستند. این مسئله بدان معنا نیست که طراحی تابع سلیقه است و هر باستان‌شناسی به تشخیص خود می‌تواند روش طراحی متفاوتی داشته باشد؛ برعکس، طراحی اشیاء باستانی امروزه تابع قراردادهای و گداهای مشخصی است که برای افرادی که با اصول طراحی آشنایی داشته باشند، قابل تشخیص و خواناست. در برخی موارد همچون طراحی دست‌ساخته‌های سنگی این گداهای نزد افراد ماهر به خوبی تعریف شده و شناخته شده‌اند (Addington 1986)؛ اما در طراحی برخی دیگر از انواع یافته‌های باستانی توافق کمتری در زمینه گداهای تصویری نزد باستان‌شناسان دیده می‌شود (بنگرید به Banning 2000: 276-292).

با توجه به اینکه تاکنون کتابی در زمینه طراحی اشیاء باستانی به زبان فارسی تألیف نشده است، ترجمه کتابی در زمینه طراحی یافته‌های باستانی رخدادی امیدوارکننده می‌نماید. در ادامه به نقد یکی از کتبی که در سال‌های اخیر در این زمینه به فارسی برگردانده شده است می‌پردازیم.

۲. معرفی کلی اثر و نویسنده

نوشتار حاضر به نقد کتاب: «گریفیدس، نیک و آنا جنر، با همکاری کریستین ویلسون، ۱۳۸۸. *ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر*. ترجمه زیبا یحیوی، تهران: سمیرا. ۲۰۶ صفحه، مصور. شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۱۱۳۲۱۲» می‌پردازد که ترجمه‌ای است از:

Griffiths, Nick and Anne Jenner; with Christine Wilson, 1991. *Drawing Archaeological Finds A Handbook*. (Revised Edition), Occasional Paper No. 13 of the Institute of Archaeology, University College London. ISBN: 1-873132-00-X

این کتاب قبلاً یک بار در ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا معرفی شده است (موسوی‌نیا و گودرزی ۱۳۸۹). پیش از انتشار این کتاب در سال ۱۳۸۸، تنها در یک کتاب راهنمایی‌هایی برای طراحی سفالینه‌های باستان‌شناختی به زبان فارسی ارائه شده بود (توحیدی ۱۳۷۹). با وجود نیاز روزافزون باستان‌شناسان به مجموعه‌ای که طراحی انواع یافته‌های باستان‌شناختی را به صورت اصولی و طبق ضوابط یکسان آموزش دهد، این نیاز بدون پاسخ باقی مانده و کمبود اصول مدون و همگن در طراحی اشیاء باستانی، به‌ویژه در گزارش‌های باستان‌شناسی کارهای میدانی مشهود است. در برخی موارد طرح‌های اشیاء در گزارش‌ها، کتب و مقالات، بیشتر منعکس‌کننده ابتکار و سلیقه طراحان هستند تا اصول مدون طراحی و رسم فنی. به نظر می‌رسد تنها یافته‌های باستان‌شناختی که طراحی آنها تا حدی اصولی شده و به استانداردهای کلی دست یافته است، سفالینه‌ها هستند که به دلیل فراوانی نسبی آنها در مقایسه با سایر یافته‌ها و مهم‌تر از آن به دلیل آنکه طراحی آنها در قالب واحد درسی به همه دانشجویان باستان‌شناسی آموخته می‌شود، تا حدی از آشفتگی مشهود در سایر طراحی‌های باستان‌شناختی برکنار مانده‌اند.

به این ترتیب ترجمه و انتشار کتاب «ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر» به زبان فارسی اتفاقی خوشایند محسوب می‌شود. چاپ اول کتاب اصلی به زبان انگلیسی در سال ۱۹۹۰ میلادی صورت گرفته و سپس در ۱۹۹۱ با بازبینی مجدداً چاپ شده که ترجمه فارسی آن از روی چاپ ۱۹۹۱ صورت گرفته است. مطالب کتاب در شش فصل گردآوری شده‌اند که عبارتند از:

فصل اول: ایجاد فضای مناسب برای طراحی؛ در این فصل شرایط و ابزارهای لازم برای شروع طراحی (شامل انواع مداد، کاغذ، رایید، مقوا، پرگار، گونیا، کولیس و...) به صورت کامل و دقیق معرفی شده‌اند. البته با توجه به قدیمی بودن نسبی کتاب که نگارش آن به بیش از ۲۵ سال پیش بازمی‌گردد بسیاری از ابزارهای معرفی شده در آن امروزه بی‌استفاده به نظر می‌رسند؛ زیرا با رواج استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای رایانه‌ای جهت تغییر مقیاس، مونتاژ و پرداخت نهایی طرح‌ها، طراحی بسیار ساده‌تر شده و به وسایل کمتری نیاز دارد. البته آشنایی با وسایل چاپ قدیمی و دشواری‌هایی که تا پیش از رواج استفاده از رایانه‌ها در این زمینه وجود داشته خالی از لطف نیست.

فصل دوم: اشیاء مورد طراحی؛ در ابتدای این فصل به صورت دقیق موارد و نحوه استفاده از مقیاس (بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی طرح‌ها) توضیح داده شده که بیشتر در

مواردی کاربرد دارد که اشیاء بسیار بزرگ یا بسیار کوچک باشند. سپس نحوه طراحی انواع یافته‌های باستان‌شناختی از جمله اشیاء تولید شده از مس و آلیاژهای آن، اشیاء آهنی و فولادی، طلایی و نقره‌ای، شیشه‌ای، سنگی، یافته‌های گلی و آثار ساخته شده از مواد ارگانیک شامل استخوان، عاج، شاخ، چوب و چرم و نهایتاً اشیاء مرصع و ترکیبی و منسوجات با جزئیات توضیح داده شده و تصاویر ضمیمه نیز به درک بهتر شیوه طراحی کمک فراوانی می‌کنند.

فصل سوم: طراحی ظروف سفالی؛ در این فصل نیز علاوه بر ابزارهای مورد نیاز برای طراحی سفالینه‌ها، روش دقیق طراحی سفال شرح داده شده است.

فصل چهارم: طراحی ظروف شیشه‌ای؛ در این فصل علاوه بر تاریخچه‌ای که درباره طراحی ظروف شیشه‌ای ارائه شده، اصول طراحی این دسته از ظروف و تفاوت طراحی آنها با ظروف سفالی توضیح داده شده است.

فصل پنجم: طراحی دست‌ساخته‌های سنگی؛ این بخش از کتاب مدت‌ها در ایران مرجع کارآموزانی بوده (شامل نگارنده) که طراحی دست‌ساخته‌های سنگی را آغاز کرده‌اند. تصاویر گویا و نمونه‌های ارائه شده در این بخش برای افرادی که با اصطلاحات تخصصی مطالعه دست‌ساخته‌های سنگی آشنایی داشته باشند به اندازه‌ای مفید است که می‌توان آن را خودآموز طراحی دست‌ساخته‌های سنگی دانست (البته منظور اصل کتاب به زبان انگلیسی است، در مورد ترجمه آن به ادامه بنگرید).

فصل ششم: سرهم کردن طرح‌ها و پایان کار؛ در این فصل نیز رهنمودهایی جهت چیدمان طرح‌ها و آماده کردن آنها برای چاپ ارائه شده که باز هم با توجه به قدیمی بودن کتاب بسیاری از این روش‌ها در چیدمان و چاپ عملاً منسوخ شده‌اند.

با توجه به اینکه این کتاب حتی پیش از ترجمه نیز جزء منابع بسیار مهم طراحی محسوب می‌شد، ترجمه آن به زبان فارسی اهمیت آن را نزد باستان‌شناسان دوچندان می‌نماید؛ همت و تلاش برای ترجمه و چاپ چنین کتب مرجعی که عموماً خواندن آنها به زبان اصلی مرسوم می‌شود و متأسفانه دیگر لزومی برای ترجمه آنها احساس نمی‌شود، به خودی‌خود تحسین‌برانگیز است. اما به لحاظ زمان چاپ، کتاب‌های طراحی باستان‌شناختی عمومی دیگری نیز با روش‌های جدیدتر و اصطلاحاً «روزآمد» (up to date) پس از این کتاب منتشر شدند (همچون Steiner 2005) که قطعاً کاستی‌های کتاب فوق را به جهت قدیمی بودن ابزارها و روش‌های مورد استفاده جبران می‌کنند. برای

مثال مطالبی که در صفحات ۱ تا ۴ متن اصلی (Griffiths and Jenner 1991: 1-4) در زمینه تکنیک‌های چاپ تصاویر آمده است، امروزه به دلیل تغییر فن‌آوری چاپ دیگر موضوعیت ندارد. متأسفانه مترجم در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته‌اند هیچ اشاره‌ای به سایر منابع موجود در این زمینه و دلیل انتخاب این کتاب ننموده‌اند، بنابراین فقط می‌توان حدس زد که احتمالاً مهم‌ترین دلیل انتخاب این کتاب برای ترجمه، همان معروف و شناخته شده بودن آن نزد باستان‌شناسان ایرانی باشد که دلیل انتخاب ترجمه این کتاب جهت نقد در نوشتار حاضر نیز محسوب می‌شود.

لازم به ذکر است که آنچه در این نوشتار ارائه شده است، حاصل بررسی و مقابله‌ی یک چهارم متن ترجمه با اصل کتاب به زبان انگلیسی است. در این نوشتار برای ارجاع به شماره صفحات در کتاب به زبان اصلی از اعداد انگلیسی ضخیم (bold) در پراکنش استفاده شده است.

۳. نقد شکلی اثر

طرح جلد کتاب، همان‌طور که انتظار می‌رود، نمونه‌ای از طراحی باستان‌شناختی و مناسب است، اگرچه استفاده از فونت «نسیم» در روی جلد برای عنوان کتاب و اسامی نویسندگان و مترجم چندان چشم‌نواز نیست. صفحه‌بندی کتاب، حروف‌نگاری و چیدمان تصاویر و طرح‌ها منطقی و قابل قبول است، اما نکته‌ای که حداقل در مورد کتبی که در زمینه طراحی هستند نمی‌توان سهل‌انگاری در مورد آن را پذیرفت، کیفیت تصاویر است. تصاویر در چنین کتب راهنمای طراحی مهم‌ترین عنصر کتاب محسوب می‌شوند، زیرا خوانندگان به مدد تصاویر باکیفیت می‌توانند مرحله به مرحله طبق راهنمای طراحی پیش بروند. کیفیت تصاویر چاپ شده در ترجمه کتاب حتی نزدیک به سطح قابل قبول هم نیست، به گونه‌ای که با جرأت می‌توان ادعا نمود خوانندگان نسخه فارسی بدون در اختیار داشتن نسخه اصل انگلیسی که تصاویر قابل قبولی در آن ارائه شده، قادر به استفاده از نسخه فارسی نخواهند بود. این مسئله به‌ویژه در بخشی که مربوط به دست‌ساخته‌های سنگی است (201-157) اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا توانایی طراحی این آثار مستلزم تشخیص نشانه‌هایی در روی این دست از اشیاء است که بدون کمک تصاویر نمی‌توان آنها را تشخیص داد.

مسئله بعدی مربوط به فهرست ارائه شده در نسخه ترجمه شده است. در این فهرست، برخلاف فهرست کتاب اصلی، هیچ گونه فصل‌بندی ارائه نشده و تمام عناوین بدون هیچ تغییری به دنبال هم آمده‌اند. درحالی‌که در فهرست کتاب اصلی، عناوین فصول و بخش‌های ذیل هر یک به خوبی مشخص شده است، به گونه‌ای که برخلاف نسخه ترجمه، خواننده برای یافتن موضوع مورد نظر دچار مشکل نمی‌شود. در متن کتاب نیز این برهم زدن فصول کتاب کاملاً مشخص است، به نحوی که به نظر می‌رسد کل کتاب یک فصل واحد است که تقسیم‌بندی در آن وجود ندارد و همه بخش‌ها بدون فاصله به دنبال یکدیگر آمده‌اند. نگارنده برای معرفی فصول کتاب در این نوشتار ناچار به کتاب اصلی رجوع نموده است، زیرا اگر به برگردان فارسی مراجعه می‌شد امکان درک فصول کتاب به صورت آنچه توضیح داده شد امکان‌پذیر نبود.

صرف‌نظر از رعایت نکردن نیم‌فاصله در متن تایپی، غلط‌های تایپی و املائی نیز در متن نوشتار فارسی این کتاب کم نیستند که تنها به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

نمونه ۱. در صفحه ۳۳ دو بار کلمه «اتاق» به کار رفته است، بار اول به صورت «اطاق» در خط ۷ و بار دوم به صورت «اتاق» در خط ۱۶. اگرچه هر دو صورت املائی کلمه فوق در گذشته کاربرد داشته است، اما ضبط مختار این واژه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی «اتاق» است، ضمن آنکه حتی اگر هر دو صورت آن پذیرفته شده باشد، بایستی به صورت یکسان در تمام متن استفاده شود و به کار بردن دو شکل املائی متفاوت نشان از غلط تایپی یا املائی دارد.

نمونه ۲. در صفحه ۴۶، در خط آخر، در انتهای صفحه جمله «می‌توان قلم‌ها را در یک فضای مرطوب قرار دارد» دیده می‌شود که صحیح آن «می‌توان قلم‌ها را در یک فضای مرطوب قرار داد» است.

نمونه ۳. در صفحه ۴۷، در خط ۱۴، در جمله «و نه در محیط پر گرد و غبار که از باستان‌شناسی معمول و متداول است» که معادل جمله انگلیسی "and not in the dusty environment usual in archaeology" (19) است، به جای لغت «معمول» که غلط تایپی دارد، لغت «معمول» صحیح است.

نمونه ۴. در پایان آخرین پاراگراف صفحه ۶۸ به تصویر ۱۳ و ۱۴ ارجاع داده شده که در متن اصلی چنین ارجاعی وجود ندارد (31) و این تصاویر مربوط به بخش‌های دیگری از متن هستند.

نمونه ۵. در صفحه ۷۸ لغت «خاتم کاری» در خط‌های ۱۰ و ۱۲، به غلط «خاتم کاری» نوشته شده است. جستجوی نگارنده برای یافتن معنای «خاتم کاری» به نتیجه نرسید، احتمالاً منظور مترجم محترم همان «خاتم کاری» است که طبق ترجمه تحت‌اللفظی معادل inlay در متن اصلی به کار رفته است. نکته اینجاست که منظور متن اصلی از inlay اساساً با آنچه که در صنایع دستی ایران به عنوان «خاتم کاری» می‌شناسیم متفاوت است. خاتم کاری جزء صنایع دستی است و به معنای تعبیه ترکیبی از چند ضلعی‌های منظم با تعداد اضلاع متفاوت است که با استفاده از مواد اولیه گوناگون در رنگ‌های مختلف صورت می‌گیرد (بنگرید به طهوری ۱۳۶۵). در کتاب، همان‌طور که نویسندگان توضیح داده‌اند، این اصطلاح برای کاشی‌های قرون وسطی به کار رفته و منظور از آن یعنی «طرح با مهر روی آنها ایجاد شده و سپس پیش از لعابکاری با گل سفید پر شده است» (39). بنابراین این بخش نه تنها نشان‌دهنده غلط‌تایی است، بلکه برابر نهاد فارسی نامناسبی در ترجمه را نیز نشان می‌دهد. برابر نهاد فرهنگستان ادب فارسی برای واژه inlay، «درنشانده» است، به معنای ماده‌ای خارجی که درون ماده زمینه جای‌گیر و تعبیه می‌گردد.

نمونه ۶. در صفحه ۹۰، در جمله «به ویژه هنگام ترسیم به ابریشم و دیگر موارد بسیار ظریف» معادل "especially when dealing with silks and other very fine materials" (49)، به نظر می‌رسد حرف «به» غلط‌تایی باشد که صحیح آن «ترسیم ابریشم» باشد. نمونه ۷. در صفحه ۱۰۴، «قابل‌مهمه غذاپزی» به غلط «قابل‌مهمه غذاپزی» تایپ شده است.

۴. نقد محتوایی اثر

نخستین نکته مربوط به عنوان کتاب است؛ در عنوان اصلی کتاب (Drawing Archaeological Finds: A Handbook)، هیچ اشاره‌ای به «هنر» یا «اشیاء هنری» نشده است، اما عنوان ترجمه آن به «ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر» تغییر یافته است که افزایشی فاقد توجیه و به لحاظ دستوری نیز غلط است؛ زیرا عبارت «یافته‌های هنر»، که متضمن کاربرد غلط لغت «هنر» در نقش صفت برای «یافته‌ها» است، عبارتی بی‌معناست (در عنوان اصلی کتاب نیز از Archaeological استفاده شده که حالت صفتی دارد و نه Archaeology که اسم محسوب می‌شود)؛ حتی اگر اصراری بر هنری بودن این اشیاء است عنوان «ترسیم یافته‌های باستان‌شناختی و آثار هنری» عنوان مناسب‌تری است. اگر «هنر» را کنار بگذاریم، ترجمه صحیح عنوان کتاب به فارسی «راهنمای طراحی یافته‌های باستان‌شناختی» است.

با توجه به اینکه متن کتاب دستورالعمل‌هایی برای طراحی را توضیح می‌دهد، قابل درک بودن تکنیک‌های توضیح داده شده اهمیت بسیاری دارد. در بسیاری از موارد، حتی زمانی که چنین راهنماها و دستورالعمل‌هایی واضح و قابل استفاده باشند، باز هم اجرای مرحله به مرحله آنها نیاز به حضور یک مربی باتجربه و راهنمایی فراتر از متن کتاب دارد، چه برسد به زمانی که همین دستورالعمل‌ها نیز به دلیل مشکلاتی که در برگردان آنها به فارسی در کتاب مورد بحث وجود دارد، نه تنها واضح و قابل فهم نباشند، که در بسیاری موارد گمراه‌کننده نیز باشند. در مقابله متن اصلی با ترجمه کتاب فوق به مواردی برخورد شد که در ادامه به صورت دسته‌بندی شده ارائه می‌گردد:

۱.۴ ترجمه غلط

در بسیاری از موارد برابرنهاده‌هایی که برای لغات انگلیسی انتخاب شده است غلط هستند. این دسته از اشتباهات متفاوت از «انتخاب برابرنهاده نامناسب برای لغات» هستند، بدان معنا که لغت فارسی انتخاب شده «نامناسب» نیست، بلکه اساساً غلط است. در برخی موارد چنین غلط‌هایی به قدری واضح هستند که حتی در آشنایی مقدماتی مترجم محترم با لغات رشته باستان‌شناسی به زبان انگلیسی نیز تردیدهایی را ایجاد می‌کنند. حتی در صورتی که مترجم محترم باستان‌شناس نیز نبودند، یک جستجوی ساده در یک واژه‌نامه انگلیسی-فارسی ترجمه صحیح این موارد را امکان‌پذیر می‌نمود. چنین اشتباهاتی اگر نشانگر عدم آشنایی مترجم محترم با زبان تخصصی رشته باستان‌شناسی نباشند، به وضوح ناشی از بی‌دقتی و عدم ویراستاری صحیح و عدم کنترل متن هستند. در ادامه برخی نمونه‌ها در این زمینه ارائه می‌شوند (بخش‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده مشخصاً نشانگر ترجمه غلط لغات در کتاب هستند):

نمونه ۱. در صفحه ۱۸، به نقاشی اثر پیتر بروگل ۲ با عنوان «یک جشن عروسی» معادل «A Country Wedding» (4) اشاره شده است. ترجمه صحیح عنوان این نقاشی به وضوح «عروسی محلی» است.

نمونه ۲. در صفحه ۷۸ معادل «grain structure» (39)، «ساختار سبزی» ارائه شده است که گویا مترجم لغت grain را با green به معنای «سبزی» اشتباه گرفته‌اند. معادل صحیح «ساختار دانه دانه یا ساختار زیر» است.

نمونه ۳. در صفحه ۱۰۴ معادل "a quarter-sized photocopy" (56) در متن اصلی، «یک فتوکپی به اندازه یک سوم» ترجمه شده است که به وضوح غلط است، زیرا quarter به معنای «رُبُع» یا «یک چهارم» است و نه «یک سوم» و صحیح آن «یک فتوکپی به اندازه یک چهارم» است.

نمونه ۴. مجدداً در همان صفحه ۱۰۴ معادل "the name of the museum or collection" and an accession number should be noted" (56)، «باید نام موزه یا کلکسیون و نحوه دسترسی آن ذکر شود» ترجمه شده است. منظور مؤلفین کتاب آن است که هنگامی که اثری را که متعلق به یک موزه یا مجموعه شخصی است طراحی می‌کنیم، نه فقط به نام آن موزه و مجموعه، بلکه به کُد یا شماره آن اثر در آن موزه یا مجموعه نیز باید ارجاع دهیم. بنابراین «نحوه دسترسی» ترجمه غلطی است و حتی ترجمه تحت‌اللفظی "accession number" نیز در این مورد کفایت می‌نمود که می‌شود «کُد یا شماره دسترسی به اثر». ترجمه صحیح‌تر آن می‌تواند «کُد یا شماره ثبت اثر در موزه یا مجموعه شخصی» نیز باشد.

نمونه ۵. در صفحه ۱۲۷ معادل "prehistoric pottery" (70) در متن اصلی، «ظروف فلزی ماقبل تاریخ» آمده است که به وضوح غلط است و معادل صحیح آن «ظروف سفالی پیش از تاریخ» است.

۲.۴ بخش‌های کاسته و افزوده متن

در برخی از بخش‌های کتاب، تصویر یا قسمتی از متن که در زبان اصلی وجود دارد، بدون ارائه دلایل مشخصی از جانب مترجم محترم، در ترجمه حذف شده است؛ در مقابل در بعضی از قسمت‌ها شاهد اضافه شدن بی‌دلیل لغاتی هستیم که در متن اصلی وجود ندارند و نه تنها کمکی به ترجمه نمی‌کنند که موجب می‌شوند خوانش متن فارسی دشوار شود. از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نمونه ۱. حداقل در یک مورد تصویری که در کتاب اصلی وجود دارد، در نسخه ترجمه حذف شده است. تصویر ۷ (18) نه فقط در نسخه ترجمه فارسی حذف شده است، بلکه علیرغم چنین حذفی، ترتیب شماره‌های تصاویر همچنان حفظ شده است، بدان معنا که در نسخه ترجمه فارسی پس از تصویر ۶، بدون ارائه توضیح یا حداقل تنظیم مجدد ترتیب تصاویر، تصویر ۸ آمده است.

نمونه ۲. در صفحه ۹۰، پس از عنوان «منسوجات»، در متن اصلی ارجاعاتی به تصاویر ۲۷ و ۲۸ داده شده است (48) که در نسخه ترجمه جا افتاده است.

نمونه ۳. در صفحه ۱۰۴، در پایان آخرین پاراگراف، در کتاب اصلی ارجاعی به "Tyers & Vince, 1983" داده شده (56) که در نسخه ترجمه جا افتاده است.

نمونه ۴. صفحه ۱۵۷، ابتدای فصل طراحی دست‌ساخته‌های سنگی است که این فصل را به طور کامل کریستین ویلسون نوشته و در کتاب اصلی زیر عنوان این فصل نام او به عنوان نویسنده ذکر شده است (93)، اما در نسخه ترجمه، نام این نویسنده بی‌دلیل حذف شده است. این مسئله از جنبه اخلاق و امانتداری در ارجاع به نام پدیدآورنده اثر نیز قابل بررسی است.

نمونه ۵. مجدداً در صفحه ۱۵۷، معادل "This means that the illustrator does not simply put down that which he 'sees' – when the light is coming from the top left – but that which he 'knows' is there" (93)، به صورت «این بدان معناست که طراح، تنها چیزی را که "می‌بیند" روی کاغذ نمی‌آورد بلکه چیزی را روی کاغذ می‌آورد که "می‌داند" در آنجاست» ترجمه شده و عبارت «در تابش نور از سمت چپ بالا» حذف شده است که تاحدی عبارت ترجمه شده را ناقص می‌نماید، زیرا منظور مؤلف آن است که طراح صرفاً آنچه را با تابش نور از سمت چپ بالای شیء می‌بیند، و شامل الگویی از سایه و روشنایی روی اثر می‌شود، ترسیم نمی‌کند، بلکه حتی اگر چیزی مشهود نباشد، اما طراح به واسطه شناخت اثر از آن اطلاع داده باشد، در طرح آن را نمایش می‌دهد.

۳.۴ ترجمه نکردن اسامی و لغات و ارائه آنها با حروف انگلیسی در متن

در بسیاری از موارد در ترجمه کتاب، از برگردان لغات و اسامی انگلیسی به فارسی خودداری شده و یا همان اصل انگلیسی با حروف انگلیسی در لابه‌لای متن فارسی، یا آوانگاری آن لغت به خط فارسی عین به عین آورده شده است. این مسئله به‌ویژه در مورد اسامی افراد، مکان‌ها و لغات فنی دیده می‌شود که نه تنها نیاز به ارائه برگردان فارسی دارند، بلکه در برگردان دقیق‌تر، جهت قابل فهم بودن متن، نیاز است که توضیحاتی اضافه از جانب مترجم نیز در پانویس اضافه شود. این در حالی است که نه فقط توضیحی در مورد این لغات و اسامی ارائه نشده، بلکه حتی از برگردان آنها به فارسی نیز، چنانکه ذکر شد، خودداری شده است. نمونه‌های این موارد در کتاب فراوان دیده می‌شود، به گونه‌ای که

به‌طور متوسط در هر صفحه یک یا دو مورد مشاهده می‌شود، در اینجا تنها برخی موارد از این دست ذکر می‌گردند:

نمونه ۱. در صفحه ۱۲، لغت "photo-lithography" (2)، به جای برگردان، آوانگاری فارسی شده و به صورت «فوتولیتوگرافی»^۳ در جمله استفاده شده است، بدون آنکه هیچ توضیحی در مورد این تکنیک داده شود. قاعدتاً از مخاطبان کتاب که اکثراً باستان‌شناس هستند انتظار نمی‌رود که معنای چنین مفاهیمی را بدون تحقیق در این زمینه بدانند، اما از ترجمه کتاب انتظار می‌رود که برای امانتداری، در درجه اول برابر نهاده فارسی این لغت در برگردان ارائه شود و در درجه دوم توضیحی هر چند کوتاه در زمینه این تکنیک ارائه شود. قاعدتاً ترجمه کتاب به فارسی با این هدف صورت می‌گیرد که خواننده فارسی زبان بتواند مطالب کتابی را که به زبان مادری او نیست مطالعه کند و بفهمد؛ اگر قرار باشد کتابی ترجمه شود، اما همچنان برای خواننده فارسی زبان نامفهوم باشد، اساساً چه دلیلی برای ترجمه باقی می‌ماند؟

نمونه ۲. در صفحه ۱۸، معادل "various rings and jewels owned by St. Albans Abbey" (4)، به صورت «حلقه و جواهرات مختلفی که St. Albans Abbey مالک آنها بود» آورده شده است، یعنی نه تنها اسم «آلبنز» با حروف فارسی نشده، بلکه حتی Abbey نیز که به معنای «صومعه» یا «کلیسای جامع» است به همان شکل انگلیسی با حروف انگلیسی در متن فارسی آورده شده است و به فارسی برگردانده نشده است. قاعدتاً خواننده فارسی‌زبانی که با زبان انگلیسی آشنایی نداشته باشد، با خواندن چنین ترجمه‌ای متوجه نمی‌شود که «آلبنز» نام یک فرد است یا مکان. نامفهوم بودن چنین عباراتی، اگرچه در متن بیانگر مفاهیم کلی نباشند، باعث می‌شود خوانش متن با دشواری و خسته شدن ذهن خواننده همراه باشد. ترجمه صحیح این عبارت، «حلقه و جواهراتی که متعلق به صومعه سنت آلبنز بودند» است. در همان صفحه ۱۸، ۵ اسم دیگر نیز با حروف انگلیسی آورده شده‌اند که اکثراً اسامی نقاشان اروپایی و آثار آنها هستند، همچون «هیرونیموس بوش» و «یان ون» که با حروف انگلیسی به صورت "Hieronymus Bosch" و "Jan Van" در متن فارسی آورده شده‌اند. به‌نظر می‌رسد بخشی از عدم برگردان این اسامی و لغات به فارسی ناشی از شتابزدگی در برگردان و چاپ کتاب باشد، زیرا پیدا کردن معادلات فارسی این اسامی و افزودن توضیحی هر چند اندک در مورد آنها، نیازمند دقتی است که با شتابزدگی مشهود در برگردان فارسی این کتاب به هیچ روی همسو نیست.

نمونه ۳. در صفحه ۱۹، لغت "Urne Burial" با حروف انگلیسی آورده شده است که معادل فارسی آن «تدفین کوزه‌ای» است، که همان طور که در متن کتاب نیز اشاره شده، به معنای ریختن خاکستر مرده در کوزه است (4). این نمونه نشان می‌دهد که عدم برگردان به فارسی فقط شامل اسامی و لغات خاص نمی‌شود، بلکه به نظر می‌رسد الگویی است که هر جا برگردان به فارسی برای مترجم دشوار بوده، مورد استفاده قرار گرفته است.

نمونه ۴. در صفحه ۳۶، لغت "Cow Gum" با حروف انگلیسی آورده شده که قاعدتاً برای خواننده فارسی‌زبان ناشناخته است. منظور از آن چسبی رطوبتی است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی در اروپا توسط نقاشان، طراحان و مجسمه‌سازان استفاده می‌شد و به دلیل استحکام بسیار معروف بود. واضح است که عدم ارائه چنین توضیحی از سوی مترجم و ارائه آن با حروف انگلیسی، یا نتیجه عدم اطلاع مترجم از معنای این لغت است که خود نیز متوجه مفهوم آنچه ترجمه نموده نشده است یا نتیجه ساده‌انگاری در برگردان فارسی کتاب که در نتیجه آن لزومی برای جستجو و ارائه ترجمه واضحی که برای خواننده کتاب قابل فهم باشد، از جانب مترجم محترم حس نمی‌شده است.

۴.۴ ترجمه نامفهوم

اصلی‌ترین مسئله در نقد ترجمه کتاب مورد بحث، ترجمه‌های نامأنوس و نامفهومی است که در اکثر بخش‌های کتاب دیده می‌شود. برگردان اکثر جملات به فارسی به صورت تحت‌اللفظی صورت گرفته و جملات فارسی نامفهوم هستند. باید توجه نمود که کتاب حاضر از آن جهت که نوعی دستورالعمل طراحی محسوب می‌شود، مهارتی را آموزش می‌دهد که نیاز به تکرار و تمرین دارد. نامفهوم بودن جملات برگردانده شده به فارسی عملاً کارایی کتاب را تا حد بسیار زیادی کاهش داده است، به گونه‌ای که نگارنده در نگارش متن حاضر، در اکثر موارد ناچار از مراجعات مکرر به اصل متن انگلیسی برای پی بردن به معنای جملاتی بوده است که در متن فارسی ارائه شده است. با توجه به اینکه نمونه‌هایی از این مورد فراوان هستند، در ادامه تلاش شده تا حد امکان برخی از آنها ارائه شوند. در هر نمونه نخست متن انگلیسی، سپس ترجمه ارائه شده در کتاب، و سپس ترجمه پیشنهادی نگارنده ارائه می‌شود. اعداد نشانگر شماره صفحات در کتاب اصلی و کتاب ترجمه هستند.

نمونه ۱.

(31) “Adjustable desks and chairs are made specially to minimize back strain”

«میز و صندلی‌های قابل تنظیم به طور ویژه برای کمینه‌سازی کشیدگی کمر ساخته می‌شوند» (۳۳).

ترجمه پیشنهادی: میز و صندلی‌های قابل تنظیم مخصوصاً با این هدف ساخته می‌شوند که فشاری را که هنگام کار بر کمر وارد می‌شود کاهش دهند.
نمونه ۲.

“It follows, then, that even the finest archaeological drawing will only go so far towards the reality of the object” (23).

«پس چنین حاصل می‌شود که حتی ظریف‌ترین و دقیق‌ترین ترسیم باستان‌شناسی تنها به سوی حقیقت جسم می‌رود» (۵۲).

ترجمه پیشنهادی: بنابراین حتی ظریف‌ترین طراحی باستان‌شناسی نیز تنها تا حدی به ظاهر واقعی شیء نزدیک می‌شود.
نمونه ۳.

“Perhaps the most common ancient material for small objects, copper (and its alloys, bronze, brass, etc.), tends to have a smooth, even surface” (31).

«شاید متداولترین ماده باستانی برای اجسام کوچک، مس (و آلیاژهای آن یعنی برنز، برنج و غیره) گرایش به داشتن سطحی یکنواخت و هموار داشته باشند» (۶۸).
ترجمه پیشنهادی: مس (و آلیاژهای آن برنز، برنج و غیره)، که در ساخت اشیاء کوچک قدیمی بیشترین استفاده را داشته‌اند، معمولاً سطحی صاف و یکنواخت ایجاد می‌کند.
نمونه ۴.

“When stippling iron, the corroded surface can be indicated with broken lines and patches of stipple based on the rough patches” (31).

«هنگام نقطه‌چین‌زنی آهن، می‌توان سطح فرسوده را با خطوط شکسته و دسته‌های نقطه‌چین بر اساس دسته‌های خشن و ناهموار نشان داد» (۶۸).

ترجمه پیشنهادی: هنگام سایه زدن طرح اشیاء آهنی با استفاده از نقاط، قسمت زنگ‌زده را می‌توان با کشیدن خطوط شکسته و تراکم نقاط در قسمت‌های زبر نشان داد.
نمونه ۵.

“If the surface of the particular object can be seen, the outline can be shaded accordingly. If not, it may be necessary to leave the shape as an outline” (31).

«اگر سطح جسم خاصی را بتوان دید، می‌توان طرح را بر آن اساس سایه زد. در غیر اینصورت، ممکن است به صورت طرح کلی، رها کردن شکل، لازم و ضروری باشد» (۶۸).

ترجمه پیشنهادی: اگر سطح شیء مورد طراحی واضح دیده می‌شود، می‌توان در محدوده خطوط پیرامونی آن، طرح مشهود روی سطح شیء را با سایه‌زنی نشان داد. اما اگر سطح شیء [به دلیل فرسایش و زنگ‌زدگی] مخدوش است و واضح دیده نمی‌شود، شاید لازم باشد طرح را صرفاً محدود به نمایش خطوط پیرامونی شیء نمود.
نمونه ۶.

“An exception to the general rule of shading objects and tiles is the illustration of medieval floor tiles” (39).

«یک استثناء برای قاعده کلی سایه زدن اجسام و کاشی‌های کف قرون وسطی ای وجود دارد» (۷۸).

ترجمه پیشنهادی: در مورد قانون کلی سایه‌زنی اشیاء و کاشی‌ها، طراحی کاشی‌های کف مربوط به قرون وسطی، یک استثناء محسوب می‌شود که از این قانون کلی تبعیت نمی‌کند.
نمونه ۷.

“If the tiles are stamped or patterned, the design is drawn out in solid black, this representing the letter or raised portions of the pattern” (39).

«اگر کاشی‌ها دارای نقش و نگار باشند، طرح آنها به رنگ سیاه کشیده می‌شود، این نشان‌دهنده حروف یا بخش‌های دارای ارتفاع نقش و الگو است» (۷۸).

ترجمه پیشنهادی: اگر کاشی بافت سطحی یا نقوش مَهر شده داشته باشد، طرح آن با رنگ سیاه کشیده می‌شود، به این صورت که رنگ سیاه، حروف یا بخش‌های برجسته طرح را نشان می‌دهد.

نمونه ۸

“Wheel thrown sections are blacked in (Fig. 49c)” (70).

«مقاطع در شکل ۴۹ ج سیاه شده‌اند» (۱۲۷)

ترجمه پیشنهادی: در [طراحی] مقطع [سفال]، داخل بخش‌های چرخساز با رنگ سیاه پر می‌شود (مثل تصویر c۴۹). (نکته مهم در این بخش آن است که نویسنده در حال بیان کردن یک اصل کلی در طراحی سفال است، بنابراین استفاده از زمان ماضی نقلی در برگردان فارسی معنای جمله را به درستی منتقل نمی‌کند. در واقع این مورد نشانگر ترجمه تحت‌اللفظی بدون توجه به انتقال صحیح مفهوم است).

نمونه ۹.

“The arcs produced by the blow are used by the illustrator to describe the shape of the artifact (i.e. as a convention for shading) and to inform the archaeologist about the manufacture of a piece, showing the point from where each facet was made and in what sequence” (93).

«قوس‌های تولید شده توسط ضربه، برای تشریح فرم شیء (یعنی، به صورت قراردادی برای سایه‌زنی) و برای دادن اطلاعاتی در مورد ساختن یک قطعه به باستان‌شناس، توسط تصویرگر طراح مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ این اطلاعات با نشان دادن نقطه‌ای که هر تراشه از آنجا ساخته شده است و ترتیب آنها، ارائه می‌شوند» (۱۵۷).

ترجمه پیشنهادی: قوس‌های ناشی از ضربه در طراحی دست‌ساخته‌های سنگی (به صورت قراردادی و برای سایه‌پردازی سطح دست‌ساخته) نشان داده می‌شوند تا شکل دست‌ساخته‌ها مشخص باشد و همچنین اطلاعاتی درباره جنبه‌های گوناگون تولید، نقطه‌ای که تراشه‌ها از آنجا جدا شده‌اند و توالی ساخت آنها را ارائه می‌دهند.

نمونه ۱۰.

“It is important that the plan and profile views relate exactly so that any horizontal line projected from a feature on the plan views will cross that same feature on the profile” (101).

«مهم است که نماهای پلان و نمایه دقیقاً مرتبط باشند. به طوری که هر خط افقی تصویر شده از یک بخش بر نماهای طرح همان بخش در نمایه را قطع کند» (۱۷۵).

ترجمه پیشنهادی: مهم است که نمای مسطح و نیم‌رخ دقیقاً متناسب با هم باشند، به گونه‌ای که هر خط افقی که در روی نمای مسطح از عارضه‌ای برمی‌آید، در نیم‌رخ نیز همان خط به همان عارضه پیوند بخورد.

نکته قابل ذکر در این بخش آن است که با توجه به تخصصی بودن اصطلاحات مربوط به دست‌ساخته‌های سنگی، خوانش بخش مربوط به طراحی آنها حتی به زبان اصلی بسیار دشوار است. در ترجمه، علیرغم آنکه معادل‌های فارسی نسبتاً صحیحی برای اصطلاحات تخصصی انتخاب شده، به دلیل برگردان نامفهوم جملات (که به نظر می‌رسد حداقل بخشی از آن ناشی از عدم آشنایی مترجم محترم با دست‌ساخته‌های سنگی باشد) که برخی از نمونه‌های آن در بالا ارائه شد، سختی کار خواندن متن دوچندان می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار ارائه شد نتیجه مقابله بخشی از متن انگلیسی کتاب مورد بحث با ترجمه فارسی آن است و حتی در همین بخش نیز به دلیل محدودیت، همه موارد مشاهده شده در این نوشتار ذکر نشده‌اند. بدیهی است که مجالی برای ذکر تمام نکات و اشکالاتی که در نسخه ترجمه دیده می‌شود نیست. همان‌طور که قبلاً اشاره شد با توجه به نایاب بودن کتبی از این دست در میان کتاب‌های فارسی در زمینه باستان‌شناسی، جای بسی تأسف است که حتی پس از ترجمه و انتشار چنین کتابی با تأخیر طولانی، که باعث شده برخی از بخش‌های کتاب بیشتر حالت تاریخی پیدا کنند، باز هم متن کتاب آن قدر که انتظار می‌رود واضح نیست و این دقیقاً همان فرایندی است که باستان‌شناسان را به گرایش به مطالعه کتب باستان‌شناختی به زبان اصلی سوق می‌دهد و از محبوبیت و مطلوبیت ترجمه می‌کاهد.

در مورد کتاب مورد نقد، ترجمه تحت‌اللفظی، برگردان فارسی نامفهوم و نامأنوس، غلط‌های فراوان در تایپ و ترجمه، کیفیت بسیار پایین تصاویر نسبت به کتاب اصلی که نقش عمده‌ای در افزایش درک مخاطب از مطالب کتاب دارند، فصل‌بندی آشفته و نامنظم و خوانش دشوار عواملی هستند که باعث می‌شوند علیرغم ترجمه کتاب به زبان فارسی، باستان‌شناسان فارسی‌زبانی که توانایی خواندن اصل کتاب به زبان انگلیسی را دارند، از مطالعه نسخه برگردان صرف‌نظر کنند یا حداقل هنگام خواندن نسخه فارسی چندین بار به مراجعه به کتاب اصلی نیاز پیدا کنند. صد البته که تمامی این اشکالات متوجه مترجم کتاب نیست و بسیاری از اشکالاتی که در بالا به آنها اشاره شد با یک بار تطبیق ترجمه با متن اصلی و حتی یک بار بازبینی کتاب و ویراستاری دقیق توسط انتشارات سمیرا قابل حل بودند؛ آنچه باعث شگفتی است آن است که علیرغم سرمایه‌گذاری در انتشار چنین

کتبی، به دلیل شتابزدگی در چاپ و انتشار، ویراستاری دقیقی در مورد آنها اعمال نمی‌شود که اگر شده بود، کنترل کمتر از یک دهم متن فارسی به وضوح نشان می‌داد که ترجمه کتاب نیاز به بازبینی دارد.

نکته دیگر آن است که با توجه به گستردگی زمینه‌ها، دوره‌ها و اشیاء مورد مطالعه در علم باستان‌شناسی، هنگامی که کتابی منتشر می‌شود که طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مطالعاتی را دربرمی‌گیرد، برای ترجمه آن آگاهی و تجربه داشتن و تسلط کافی بر آن طیف گسترده ضروری است. بنابراین فقط برگرداندن لغات و جملات از انگلیسی به فارسی کفایت نمی‌کند. مشخصاً در کتاب حاضر، برای آنکه ترجمه قابل‌فهمی به زبان فارسی ارائه شود نیاز است که مترجم محترم، به جز تسلط بر زبان انگلیسی، نه تنها در زمینه طیف گسترده‌ای از اشیاء باستان‌شناختی به لحاظ گونه‌شناسی آگاهی داشته باشد، بلکه با طراحی این دست از اشیاء نیز آشنایی داشته باشد. حتی علیرغم داشتن شرایط فوق، پژوهش در زمینه اصطلاحات تخصصی و تلاش برای برگرداندن این اصطلاحات و جملات به زبان فارسی سلیس، ضروری است که متأسفانه در کتاب حاضر، همان‌طور که نمونه‌های آن ذکر شد، چنین موضوعی مصداق ندارد. امید می‌رود که در آینده شاهد ترجمه کتب جدیدتر در زمینه طراحی باستان‌شناختی و صد البته با دقت و ریزبینی بیشتری باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. «پویش» و «پویشگر» به ترتیب برابرنهاده‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای scanning و scanner هستند. برای برابرنهاده‌های مصوب فرهنگستان مراجعه کنید به www.persianacademy.ir/fa/word
۲. Pitter Bruegel، ۱۵۶۹-۱۵۲۵ م، نقاش فلاندری و خالق آثار معروف «عروسی محلی» و «عروسی روستایی» (Peasant Wedding).
۳. معادل فارسی این لغت «طرح‌نگاری نوری» است و تکنیکی قدیمی در عکاسی است که در آن اغلب با به‌کارگیری یک شابلون، سطح حساس به نور را به‌طور انتخابی در معرض نور قرار می‌دهند و روی بخشی که در معرض نور است با استفاده از موارد شیمیایی کار می‌شود (بنگرید به Troy 1959).

۴. منبع: www.collinsdictionary.com

کتاب‌نامه

- توحیدی، فائق، ۱۳۷۹. فن و هنر سفالگری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- طهوری، دلشاد، ۱۳۶۵. هنر خاتم‌سازی در ایران. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران).
- موسوی‌نیا، مهدی و علیرضا گودرزی، ۱۳۸۹. ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۷، صص. ۵۰-۵۳.

- Addington, L. R., 1986. *Lithic Illustration: Drawing Flaked Stone Artifacts for Publication*. University of Chicago Press, Chicago & London.
- Adkins, L. and R. A. Adkins, 1989. *Cambridge Manuals in Archaeology: Archaeological Illustration*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Banning, E. B., 2000. *The Archaeologist's Laboratory: The Analysis of Archaeological Data*. Kluwer Academic / Plenum Publishers, New York.
- Brodribb, C., 1970. *Drawing Archaeological Finds for Publications*. John Baker, London.
- Chase, P. G., 1985. Illustrating Lithic Artifacts: Information for Scientific Illustrators. *Lithic Technology* 14: 57-70.
- Collett, L., 1996. *An Introduction to Drawing Archaeological Pottery*. Association of Archaeological Illustrators and Surveyors, Occasional Paper no 1 [published online in 2012, available online: http://www.archaeologists.net/sites/default/files/10_Drawing_archaeological_pottery.pdf].
- Dauvois, M., 1976. *Précis de dessin dynamique et structural des industries lithiques préhistoriques*. Pierre Fanlac, Périgueux.
- Green, C., 1987. *Drawing Ancient Pottery for Publication (AAI&S Technical Paper 3)*. Association of Archaeological Illustrators & Surveyors.
- Hodgson, J., 2000. *Archaeological Reconstruction: Illustrating the Past*. Association of Archaeological Illustrators and Surveyors & Institute for Archaeologists, Reading, Berkshire.
- Holladay, J., 1976. A technical aid to pottery drawing. *Antiquity* 50:223-229.
- Hope-Taylor, B. 1966. *Archaeological Draughtsmanship: Principles and Practice. Part 2: Ends and Means*. *Antiquity* 40: 107-113.
- Hope-Taylor, B. 1967. *Archaeological Draughtsmanship, Principles and Practice, Part 3: Lines of Communication*. *Antiquity* 41: 181-189.
- Martial, G., 1961. *Comment Dessiner les Pièces Préhistoriques*. Société d'Etudes des Eyzies, n. 11.
- Martingell, H., 1980. Drawing Flaked Stone Artefacts. *Lithics* 1: 8-10.
- Martingell, H., 1981. Readable Drawings: The Order of Flake Removals. *Lithics* 2: 10-12.

- Martingell, H., 1982. Drawing Worked Stone: Variations in Line Type for Different Raw Materials. *Lithics* 3: 22-24.
- Martingell, H., 1983. Considerations for the Illustration of Large Lithic Assemblages. *Lithics* 4: 42-45.
- Martingell, H. and A. Saville, 1988. *The Illustration of Lithic Artefacts: A Guide to Drawing Stone Tools for Specialist Reports*. Association of Archaeological Illustrations and Surveyors & The Lithic Studies Society, Northampton [available online: <http://www.gag-cifa.org/wp-content/uploads/2014/12/flint-paper-digital.pdf>].
- McCormick, A. G., 1977. *A Guide to Archaeological Drawing*. University of Leiceste Notes for Students, Leicester.
- Piggott, S., 1965. Archaeological Draughtmanship: Principles and Practice. Part 1: Principles and Retrospective. *Antiquity* 39: 165-176.
- Pospíšil, J., 2012. *Digital Reconstruction of Archaeological Finds*. Art Diploma Thesis, Department of Informatics/Computer Graphics, Masaryk University [published online: https://is.muni.cz/th/172435/fi_m/diplomovaPraceJanPospisil.pdf].
- Smith, R. H., 1972. An Approach to the Drawing of Pottery and Small Finds from Excavation Reports. *World Archaeology* 2 (2): 212-228.
- Steiner, M., 2005. *Approaches to Archaeological Illustration: A Handbook*. Council for British Archaeology, York.
- Troy, B. E., 1959. *Photolithography*. Horwitz, Sydney.
- Woelfel, V., 2014. *Digital Archaeological Illustration for Ceramics: A Step by Step Guide to Creating A Ceramic Drawing in Adobe Illustrator*. Amazon Digital Services, ebook [available from: <https://www.amazon.com/Digital-Archaeological-Illustration-Ceramics-Illustrator-ebook/dp/B00IK4CJRU>]